

وحشت حکومت در برابر جامعه پر خروش

شهلا دانشفر، صفحه ۶



جدال چند دهه طبقه کارگر و مردم علیه حکومت در نقطه تعیین تکلیف است!

جنبش "مجامع عمومی" جنبش اعمال اراده مستقیم توده ای
سیما منصوری، صفحه ۲

حجاب بی حجاب

جنبش لغو عملی حجاب اوج میگیرد! صفحه ۳

از چه خواسته ای باید حمایت کرد؟

یاشار سهندی، صفحه ۴

بیانیه ۱۷ تیر ماه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، "کمیسیون های کارگران"، در
همبستگی با کارگران و معلمان زندانی در ایران و حمایت از نامه سرگشاده خانواده های آنان

صفحه ۱۳

لیستی از معلمان و کارگرانی که با حکم در زندانند و بازداشت شدگانی که در دو ماه اخیر

دستگیر و هنوز در زندانند

صفحه ۱۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۳۵

۲۰ تیر ۱۴۰۱

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

۴ روز اعتصاب ۳ هزار کارگران معدن سونگون

صفحات ۷-۹

اعتراضات بازنشستگان
تجمعات و راهپیمایی با شکوه
بازنشستگان تامین اجتماعی
صفحات ۵ و ۹-۱۲

خواستهای ما کارگران رسمی نفت کدامست؟

برگرفته از مدیای اجتماعی
صفحه ۱۰

بیانیه سه نهاد در رابطه با
تصویب قرارداد دولت بلژیک
با رژیم اسلامی جهت
استرداد تروریستهای رژیم
صفحه ۱۲

از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۳-۱۴

جدال چند دهه طبقه کارگر و مردم علیه حکومت در نقطه تعیین تکلیف است!

جنبش "مجامع عمومی" جنبش اعمال اراده مستقیم توده ای



میرود که چفت شدن بخش های گوناگون این "جنبش مجامع اعتراضی رادیکال" که سیاست را از معاش و رفاه زندگی و خوشبختی، تا رهائی و برابری زن و علیه مذهب و اعدام و... ترجمه میکنند در یک بزنگاه سیاسی بنیانشان را زیر و رو خواهد کرد!

زلزله سیاسی/اجتماعی که نه تنها منطقه را به وجد و تغییر خواهد کشتاید، که پس لرزه هایش تا قلب اروپا هم خواهد رسید. این رژیمی است که کل بورژوازی در برابر طبقه کارگر علم کرده و در سایه اش دارد انباشت سرمایه میکند. این دوره از تحولات سیاسی و جنگ طبقه کارگر و به یک معنا همه مردم با حکومت، دوره پر تلاطم و بخشا هولناکی خواهد بود.

این مجامع و در این دوره از موجودیت و ماهیت جدال هایشان، اعتبار و رسمیت شان را لزوماً نه از اکثریت عددی، که از حقانیت مطالبات انسانی و روی میز مردم علیه این بربریت سرمایه و یک رژیم آدمکش میگیرند.

همسویی و ماهیت منفعت های مشترک و خاصیت طبقاتی این جدال ها، ضرورت ارتباط و چفت شدن این "مجامع دخالتهگر" و بافته شدنشان حول پایه ای و اساسی ترین مطالبات روی میز کارگر/معلم/پرستار/بازنشسته و کولبر و... تا مجمع مادران دادخواه و مردمان خشمگین را اجتناب ناپذیر به یک صف کرده و چشمگیرترین عمل سیاسی توده ای در مقیاس سراسری را ممکن و محتمل و خیلی زود بجلو هل خواهد داد!

سیر برگشت ناپذیر تحولات و ناپیستان

جنبش مجامع عمومی"، نه صرفاً بعنوان مطلوبیت ظرف اعتراضی کارگر و معلم و... برای کشمکش بر سر مزد و حقوق های معوق و...، بلکه تخم شدن بر آن و بالا بردن پرچم این "جنبش بعنوان قطب نمای حرکت و بیان خصلت نمای این دوره، یک فرصت تاریخی مبارزات طبقه کارگر و توده مردمان است.

این جنبش ماهیتاً نه تنها بستری برای پا جلو گذاشتن و پیشروی ماگزیمالیستی ترین گرایش از منفعت های کارگری / مردمی ست، بلکه پُر قدرت و کلیدی و قابل اتکاترین مرجع توده ای در گذر از حاشیه به متن و مرکز جامعه و پس زدن های سدهای حکومتی و رفتن به قلب سیاست سراسری و دخالتگر است.

علیرغم همه سرکوب ها و...، اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد و پروژه ای و معادن و شهرداری ها و...، و معلمان و بازنشستگان و حمل و نقل و...، تا مادران آبان و دادخواهان همه جنایت ها و غارتگری ها و... بر متن چنین جنبشی بر صدر جدال های سراسری در مرکز جامعه جا گرفته اند و به پیش میروند!

رژیم و همه سرپا نگهدارندگان و مشاورانشان و هم به این موضوع واقفند و هم ترسیده اند که طبقه کارگر/کارمزدی با مبارزات بی وقفه اش رادیکالیسم را به ظرف اعتراضی لایه های فرودست اجتماعی و مردم تسری داده و مطالبات متمدنانه و انسانی به سمت جنبش طبقه کارگر و افق ضد سرمایه چرخیده است.

حکومت و آنها که از ابتدا زیر بغلشان را گرفته اند، میدانند که نیروی اجتماعی تغییر، سر پیدا کرده ست و دارد به سمتی

مردم محاصره اش کرده اند! مردم انتخاب سیاسی شان را کرده اند! خیزش آبان-98 کارگران و فرودستان کارمزدی و توده مردم، رسمیت دادن و به صدا در آوردن شیپور بزیر کشیدن این حکومت با انقلاب بود.

مردم آمدند که جاویشان کنند، اما زورشان نرسید. و نه برای اینکه آگاهتر نبودند و یا به حد نصاب نرسیده بودند. بلکه بضاعتشان کم بود و ابزارشان جور نبود. این حکومت در یک توازن نابرابر در جنگ با مردم باقی ماند و اسلحه و کشتار اساس ماندنش شد!

اما جدال ها و رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام آبان تا به امروز نشان داده است که جنبش های اعتراضی/اعتصابی طبقه کارگر و توده مردم گسترده تر به مکان سیاسی بالاتری ارتقا یافته و در قامت "خود آگاهی سیاسی" قد علم نموده است و دینامیسم تغییر و جارو کردن این وضعیت بیش از قبل دارد با منفعت های سفره معاش و رفاه ترجمه میشود. با راهکارهای محکم و ظرف اجتماعی قابل اتکاتر به جلو میروند و با زبان سیاسی بی لکنت و قابل فهم و در عمل سیاسی سر راست و جسورانه مردم خیز برداشته است. یک نمونه بارزش قد علم کردن اعتراضات و جنبش طبقه کارمزدی و مردم در قامت جنبش "مجمع عمومی" ها و گفتمان شورایی است!

دوره هائی در تاریخ تحولات سیاسی و مبارزاتی طبقه کارگر/کارمزدی و مردم وجود دارد که با بجلو آمدن جنبش های معینی تعریف میشوند. مثل شوراها در انقلاب روسیه، و یا اتحادیه ای و...، و امروز در اینجا "جنبش مجامع عمومی" لزوماً نه با تعاریف کلیشه ای و کلاسیک، بلکه جنبشی در اشکال متنوع و به وسعت نپذیرفتن ها و جدال های بی وقفه طبقه کارگر/کارمزدی و توده مردم بر سر مقدرات و قلمروهای گوناگون زندگی و به گستردگی جنبش ها برای تغییر این وضعیت دارد به جلو گام بر میدارد!

به عبارت روشتر تاکید و کوبیدن بر "

سیما منصوری

دوره ای که گانگستریسم دولتی و وقاحتِ عریان با ژورنالیسم پولی و تخصص در دروغگوئی، به "علم سیاست" و رکن ثابت سرمایه داری معاصر برای بقا بردگی مزدی و انباشت سود رسمیت یافته است، اوباش ها و آدمگشاهان - "دیپلمات" شده اند تا سطح حکومت های سیاسی سرمایه در ایران و افغانستان و عراق و... ارتقاء یابند. تا متولیان سرمایه در هیئت جانوران اسلامی با خون پاشیدن بر جنبش های اجتماعی و انقلابات کارگری و توده مردم، حافظ و ضامن منافع نظم نوین سرمایه و "اقتصادبازار آزاد" باشند!

اما در پس همه این تقلا ها به ندرت جامعه ای مثل ایران تا به این درجه سیاسی، پُر تلاطم و پُر جدال و پُر نفرت است. اینجا همه چیز شتاب گرفته است و ارقام در هر قلمروئی بزرگتر شده اند. از وقاحت حکومت و استثمار و غارتگری و اختلاس ها و سرکوب و اعدام ها، تا خشم و نفرت بر گلو فریاد شده ی نپذیرفتن های این مردم و اعتراضات و اعتصابات و جنبش های اجتماعی/ طبقاتی که دائم در کف کارخانه و خیابان و مدارس و هر عرصه جامعه قد علم کرده است!

صف بندی ها و جدال طبقات و یقه گیری ها در وضعیت کنونی تنها برای "چانه زنی" نیست، اینجا جنگ است. جنگ نابرابر مردم با رژیمی که دارد برای بقا همین امروزش با سلاح علیه مردم میجنگد و چشم ها و سرها را نشانه میبرد. و در این جنگ جمهوری اسلامی در محمصه حکومتش و میان معادلات جهانی و منطقه ای سرمایه، و بحران ها و وضعیتی که خود رقم زده گرفتار آمده است.

بحران لاینحل اقتصادی که با بنیان هایش و با موجودیت اش گره خورده راه علاجی ندارد. بحران عظیم سیاسی/اجتماعی که تمام پیرامونش را گرفته تا عمق ساختارها و راس هرم اش رسوخ کرده است و روی "آخرین پله طبقه کارگر/کارمزدی و این



حجاب بی حجاب

جنبش لغو عملی حجاب اوج میگیرد!

شتاب سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت مبارزه و انقلاب مردم می‌افزاید. حال گام دیگری در "انقلاب زنانه" در ایران است.

فعالین جنبش "حجاب بی حجاب" بویژه بر اقدامات عملی در روز سه شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۱ (برابر با ۱۲ جولای ۲۰۲۲) که از طرف جمهوری اسلامی بعنوان روز "حجاب و عفاف" نامگذاری شده تاکید دارند. اما این کارزاری محدود به انجام اقداماتی در یک روز معین نیست. بلکه مبارزه مستمری است که خود در ادامه مبارزه تعطیل ناپذیر زنان ایران علیه حجاب اجباری، از تظاهرات ۱۷ اسفند ۵۷ تا جنبش دختران خیابان انقلاب و تلاش هر روزه زنان و دختران برای بدور

در مقابله با هفته و روز "حجاب و عفاف" جمهوری اسلامی، جنبش گسترده ای در جامعه ایران و بویژه توسط فعالین جنبش رهایی زن به راه افتاده است تا حجاب را عملاً لغو کند. این جنبش که تحت عنوان "حجاب بی حجاب" روز به روز گسترده‌تر میشود، در واقع جواب دندان‌شکن جامعه ایران به تشبیهات رژیم در حال احتضار جمهوری اسلامی برای بازگرداندن "خدای سال ۶۰" و راه انداختن فضای رعب و بگبر و بیند در جامعه است.

حجاب ستون فقرات اسلام سیاسی و جمهوری کثیف اسلامی است. لغو عملی حجاب در ایران بی‌تردید زلزله عظیم سیاسی است که تمامی ستونهای اسلام سیاسی را به لرزه در می‌آورد و بر

می‌کند و همه زنان آزاده را به پیوستن به جنبش حجاب بی حجاب فرامیخواند.

حجاب بی حجاب!

پیروز باد جنبش لغو عملی حجاب!
نابود باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری

۱۸ تیر ۱۴۰۱، ۹ ژوئیه ۲۰۲۲

انداختن حجاب است.

حزب کمونیست کارگری که همواره پرچمدار مبارزه علیه حجاب و برای لغو عملی حجاب اجباری بوده است با تمام قوا از فراخوان "حجاب بی حجاب" استقبال میکند و دست همه فعالین و کوشندگان این جنبش را به گرمی می‌فشارد. حزب تمام توان خود در داخل و خارج کشور را علیه روز "حجاب و عفاف" جمهوری اسلامی در ۲۱ تیر و تداوم مبارزه برای لغو عملی حجاب بسیج

جدال چند دهه طبقه کارگر و ...

از صفحه ۲

هر یک از طرفین جدال در موقعیت و مکان گذشته و کنونی شان، طبقه کارگر و مردم بطور کلی، و رژیم را به یک رویارویی قطعی و قهرآمیز تعیین تکلیف کشانیده است.

حکومت برای بقاء همین امروزش "راه علاجی" بجز تحمیل سونامی فلاکت و فقر و توحش و تیغ کشیدن بر مردم و... را ندارد. و مردم نیز برای سفره معاش و رفاه زندگی و بقاء خود انتخابی جز به زیر کشیدن قهری این حکومت و دست بردن به قدرت به نیروی خود و با سازمان یافته ترین ساختار سیاسی/ طبقه‌ای شان (احزاب و...) نخواهند داشت!

در دل خیزش پیش رو که بمراتب عظیم تر و رادیکالتر و خشمگین تر از قیام های قبل خواهد بود؛ "جنبش مجامع عمومی"، دخالتگرانه ترین آرایش عمل سیاسی/ اعتراضی توده ای طبقه کارگر/ کارمندی و این مردم در بطن این خیزش بزرگ اجتماعی و ضامن پیشروی اش خواهد شد!

این "جنبش مجامع" گرچه متنوع و بسیار است اما هنوز یکصدم پتانسیل و قدرت توده ای و قابلیت هایش را بروز نداده

خودش ده ها حزب سیاسی راست و فاشیستی و... را رویشان نورا فکن خواهند می اندازند و میخواهند به جان کارگر و این مردم بیندازند. اما در مقابل شاهد عروج جنبش کارگری در جلوی صحنه سیاست هستیم که با خود هر روز بیشتر گفتمانهای کارگری، گفتمان های چپ و رادیکال را به جلو آورده است. آلترناتیو شورایی را مقابل مردم قرار داده است. و در این بستر همین امروز با جلو آمدن صفی از رهبران کارگری چپ و رادیکال رو برویم که بسیاری از آنها به چهره های سرشناس سیاسی جامعه تبدیل شده اند و این صف هر روز وسیعتر میشود. و در چنین موقعیتی است که جامعه به نقطه تعیین رسیده است. و انقلاب را فریاد میزند. زنده باد انقلاب

#حجاب بی حجاب

همراه با خانواده و دوستان



از اعتصابات سراسری تا مشارکت ش برای چشمگیرترین عمل سیاسی قهرآمیز و در همتیبه شدن کارخانه و خیابان را به اعتبار قدرت این جنبش اجتماعی و ساختارهای سازمان یافته اش بجلو خواهد بُرد!

بهبود سفره معاش تا قدرت گیری طبقه کارگر/ کارمندی و مردم در به زیر کشیدن رژیم و قد علم کردن برای تسخیر و اعمال قدرت سیاسی، با حد نصاب رسیدن برای فراخوان یک روز آفتابی و از صندوقهای آرا بیرون نخواهد آمد. مجمع عمومی ها و شوراهای قدرت چیزی نیست که آنروز با "برنامه ریزی" ساخته شوند. از بطن همین مبارزات و جنبش مجامع دخالتگر همین طبقه و مردم و با دسترسی به ابزار سازمان یافتگی شان و از جدال های همین امروزشان پرورش میابند و سر بلند خواهند کرد.

کافی است به چهره بورژوازی نگاه کنیم تا پیشروی طبقه کارگر و این مردم در به زیر کشیدن حکومت را ببینیم. به موازات گسترش سرکوب ها و ساخت و پاخت های سیاسی و... شان، بورژوازی آدمهایش را جلو فرستاده و پرچم دستشان داده و علیرغم نیات "خیرخواهانه تئوری سازان خوش باور" در حزب ستیزی، به روز

است. جنبشی که از جمع مادران خاوران و آبان، تا مجمع کارگران کورت عبدالله و هفت تپه و فولاد و ورزقان و سونگون و...، از مجامع چند ده نفری تا مجمع چند ده هزار نفری کارگران پروژه ای و معلمان و بازنشستگان و کشاورزان و...، طبیعی و شدنی ترین ظرف نپذیرفتن و جدال ها، که از چند دهه مقاومت و مبارزات بی وقفه پُرپها و تلاش ساختارهای سازمان یافته تر سیاسی/ طبقه‌ای شان... بجلو آمده است.

این جنبش ها هویت انسانی و رادیکالی دارند و خارج از هر تعابیری، نیروی رهبری کننده و سازمان یافته و سخنگویان خودش را دارد. این جنبش ها به راه و افق پیش رویشان واقفند و به یقین همسو و در همتیبه چفت خواهند شد!

حکومت هر امر و سیاست و رفتار و قیحش را دارد با شیدادی و قلدردی و به زور اسلحه تحمیل میکند. اما در جنگ قطعی عنقریب طبقه کارگر و مردم با حکومت، مردم "سلاح" را از دستان حکومت بیرون خواهند کشید و طبقه کارگر/ کارمندی، بزرگترین تصمیمات،

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

برای مردم گرسنه که کرامت انسانی شان زیر پای حکومت اسلامی از بین رفته، گرم نمی‌شود.

در میان نامهایی که این بیانیه را امضا کرده اند و یا حامی آن شده اند، نامهایی به چشم می‌خورد که میشود به آنها نشان داد که حتی با "اجرای کامل اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های وابسته به آن با تأکید بر حفظ محیط زیست" آزادی و رفاه تأمین نمی‌شود. یک دلیل روشن آن اینست که اعلامیه‌ی ای که مالکیت را مقدس می‌شمارد و به این سبب از پیش بر نابرابری تأکید دارد، همه آزادی و آزادی همگان را تضمین نخواهد کرد. باید به ایشان نشان داد که خواست "حفظ تمامیت ارضی" حتی با تأکید به "نظام غیر متمرکز"، از پیش، شهروندان یک جامعه را به دسته‌های متفاوت تقسیم می‌کند و بنابراین تأکید میکند که هر "ملتی" به اندازه گلیم خودش میتواند در امور دخالت کند. به عبارت روشتر با این خواست از پیش تأیید میکند که "نابرابری ملی" وجود خواهد داشت و انسانها نه به مثابه شهروندان یک جامعه، نه به عنوان انسان از همه آزادی و برابری برخوردار نخواهند بود. بلکه این "ملت بزرگتر" است که از امتیازات بیشتری بهره مند خواهد بود. به ایشان باید نشان داد که اطمینان دادن به کشورهای همسایه و غیره که سیاست خارجی کشور بعد از جمهوری اسلامی تغییر خواهد یافت، پاسخ مستقیم به مردم برای برخورداری همگان از آزادی و برابری در داخل کشور نیست. دولتی که برای شهروندان خود همه آزادی و همه برابری را بخواهد بی شک در روابط بین المللی اش نیز در پی به آشوب کشاندن منطقه و ارسال تروریست و تقویت گروههای شبه نظامی وحشی برنخواهد آمد.

بهر رو میتوان از زوایای مختلف بیانیه صفحه ۵

آذربایجان شرقی)؛ اما هنوز متحد و یکپارچه نشده است. ولی با نشان دادن گوشه‌ای از قدرت خود، آنها را که دارند در خفا زنجیرهای گرسنگی را در شکل و شمایل دیگری آماده می‌کنند، مجبور به استفاده از نامی کرده است که جنبش کارگری میخواهد به واقع با تکیه به آن جامعه را اداره کند.

شورا، نه زینت بخش نام تشکلی، بلکه نشانگر قدرت واقعی توده مردم گرسنه است. مردم که برای یکبار هم شده میخواهند "تمشیت امور" نه در لابی‌های تصمیم سازان بالا بلکه به شفافیت تمام در روز روشن جلو چشم همگان در تصمیم جمعی خودشان صورت بگیرد. روشن است که صرف نهادن نام شورا به یک تشکل، به آن تشکل اعتبار نمی‌بخشد بلکه این که آن تشکل تا چه ظرف اعمال اراده مستقیم توده مردم است و تا چه حد می‌تواند و می‌خواهد خواست مردم را برآورده کند موضوع اصلی است.

در عین حال شورا نام عامی است، و وقتی صفت "ملی" به آن می‌چسباند پیشاپیش این یعنی بسیاری از خواسته‌های مردم را میتوان به بهانه اینکه "منافع ملی" را به خطر می‌اندازد پشت گوش انداخت. به این معنا که فردا اگر قدرت به دست کسانی افتاد که تحت عنوان "منافع ملی"، منافع طبقه خاصی از جامعه را مد نظر دارند، بی هیچ شک و شبهه ای باز هم یگان‌های ویژه هستند که جلو مردم صف آرایی خواهند کرد.

طبعا من نمیخواهم به بند بند شش مولفه و مولفه‌های که به صورت، بندی مشخص در بیانیه "شورای ملی تصمیم" تنظیم نشده پردازم و راستش قصد افشاگری صرف هم ندارم. همچنین نمی‌خواهم دنبال ماجرا را بگیرم که بین که با کدام سیاست "دولت بیگانه" این بیانیه همخوانی دارد، یا کدام دولت میتواند پشت سر این شورا باشد. میتواند هیچ دولتی هم پشت سر این شورای خاص نباشد. بنابراین آنچه که مهم است نه این گونه مچ گیرها، بلکه تأکید بر این نکته است که شوراهایی با این مولفه‌ها، با درخواست گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی که از پیش هر حرکتی که به زعم کسانی بوی خشونت بدهد، از نظرشان محکوم است، هیچ آبی از آنها

از چه خواسته‌ای باید حمایت کرد؟

یاشار سهندی

از چه خواسته‌ای باید حمایت کرد؟

یاشار سهندی

در کنار شورای مدیریت گذار، در کنار دار و دسته‌های فاشیستی سلطنت طلب که حول رضا پهلوی جمع شدند، "شورای ملی تصمیم" در بیانیه‌ی اعلام موجودیت کرده و از "هموطنان" خواسته "دست در دست هم با بنا نهادن «پارلمان موقت مخالفان رژیم جمهوری اسلامی» و حمایت از آن راه رسیدن به آزادی و رفاه و همبستگی را هموار" کنند.

این شورای تازه تاسیس، شش خواسته اصلی مطرح کرده که در هیچکدام از آنها، از رفاه خبری نیست. در این بیانیه آزادی به بیانیه حقوق بشر حواله داده شده است و همبستگی هم برای کسانی است که خود را "به یک اندازه ایرانی بدانند". اشاره شده که به این "شش مولفه" البته می‌توان بند‌های دیگری اضافه نمود ولی دم نقد به "همسایگان ایران و مردم خاورمیانه و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و (به) همه کشورهای دمکراتیک و دوستداران صلح جهانی"، اطمینان داده اند که این پارلمان موقت برای ایشان "تویدبخش امنیت و ثبات خواهد بود".

در این فراخوان هیچ رد پای از معیشت و کرامت انسانی که بنای بسیاری از جنبش‌های اعتراضی در کف خیابان هست را نمی‌بینید. هیچ درخواست روشنی برای برابری کامل زنان دیده نمی‌شود. در آن هیچ نشانه‌ای از آزادی بی قید و شرط سیاسی مشاهده نمی‌شود. در

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

مورد ارگانهای سرکوبگر حکومت اسلامی کاملاً سکوت کرده اند. همچنین در آن از درخواست لغو حکم اعدام خبری نیست. از آزادی مذهبی و بی مذهبی نیز حرفی زده نشده است.

اینها همه علیرغم این است که مدعی شده اند که "گذار کامل از جمهوری اسلامی با تکیه به جنبش‌های اعتراضی مردم است." جنبش‌هایی که خواسته‌های بسیار روشن مانند رفاه در حد یک زندگی انسانی شرافتمند، بهداشت رایگان، تحصیل رایگان، برابری کامل زن و مرد، تأکید بر هویت انسانی شهروندان، نه به اعدام، نه به غارتگری، نه به مذهب، حقوق کودک، ... را مطرح کرده اند و پیگیر آن هستند.

نویسندگان بیانیه اما یادشان هست که تأکید کنند "گذار باید خشونت پرهیز باشد البته با حفظ دفاع مشروع" حالا این وسط چه کسی و چگونه دفاع مشروع را تعریف میکند نکته مهمی است، اما این دیگر راز سر به مهری است. ظاهراً دفاع مشروع (بگفته برخی) تا این حد که سنگی به طرف نیروهای انتظامی پرتاب شود عیب ندارد، اما اینکه در جریان تحولات، جمعیت معترض، به روزش دست به اسلحه ببرد از الان محکوم است. چون خشونت پرهیز محسوب نمی‌شود.

آنچه در این بیانیه جلب توجه می‌کند "شورا" نام نهادن هر چند نفری از اپوزیسیون راست که دور هم جمع می‌شوند است. این بیش از هر چیزی حکایت از قدرت واقعی جنبشی دارد که در بطن جامعه در جوش و خروش است. "جنبش شورایی" آن جنبشی است که اپوزیسیون راست را وادار کرده عوض اینکه تشکل خود را مثلاً "انجمن"، "نهضت" و "جمعیت" فلان بنامند، خود را شورا معرفی کند.

جنبش کارگری، آن جنبشی که "اداره شورایی" را در پی نان رفاه و آزادی مطرح می‌کند یکی از جنبش‌های قوی اعتراضی جاری است. این جنبش هر چند دامنه مبارزات اش وسیع است، و در هر جایی از ایران میتوان این مبارزه را نشان کرد (اکنون در معدن سونگون در ورزقان



۸- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب فوراً باید اعلام و برقرار شود.

۹- برابری حقوقی و مدنی همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و قومیت و ملیت فوراً باید عملی شود.

۱۰- یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع باید برای همه شهروندان تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید فوراً برای همگان رایگان شود.

جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته باید دستگیر و علناً محاکمه شوند.

۳- کلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی باید فوراً منحل شوند.

۴- مجازات اعدام باید فوراً لغو شود. قوانین قصاص برجیده شود.

۵- کلیه اموال غارت شده مردم توسط مقامات و نهادهای مذهبی و دولتی باید فوراً بازپس گرفته شود و به صاحبان آن برگردانده و یا صرف کارهای عام المنفعه و رفاهی جامعه شود.

۶- حجاب تحمیلی و هر گونه جداسازی جنسیتی فوراً ملغی شود و آزادی پوشش برقرار گردد. کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان باید فوراً لغو شود و حقوق برابر زن و مرد در همه زمینه ها اعلام شود.

۷- مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش باید کاملاً جدا شود. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد تضمین شود.

از صفحه ۴

از چه خواسته ای ...

مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۴- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۶- لغو مجازات اعدام.

۷- دسترسی همگانی بویژه احزاب و تشکلهای رسانه‌های جمعی دولتی.

انقلاب عظیمی آغاز شده است. فوری ترین اهداف مردمی که قهرمانانه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی پیاخته‌اند از این قرار است:

۱- همه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر فوراً باید آزاد شوند.

۲- تمام آمرین و عاملین جنایات

شورای کذایی تصمیم را نقد کرد و ایرادات اساسی را نشان داد. اما اینجا بر محورهایی که در جامعه ایران جلو آمده و به یمن حزب کمونیست کارگری به یک جنبش عینی و واقعی تبدیل شده تاکید میکنم که اگر کسی بخواهد ادعای نمایندگی مردم را بکند نمیتواند اینها را نادیده بگیرد و یا با لکت و بریده بریده گوشه‌هایی را بیان کند. جریاناتی که این محورها را نادیده میگیرند مردم و شهروندان در تفکر و سیاستشان جای ندارند و در برابر این مردم به چنین جریاناتی قطعاً اعتماد و اتکا نخواهند کرد. مهمترین این محورها اینهاست:

۱- جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان،

ها و به کل بساط سرمایه داری مافیایی و دزد و چپاولگر بلند کرده و خواستهای فوری آنها از جمله عبارتند از: لغو مصوبه افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بالابردن سطح مستمری ها به بالای خط فقر، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی، و پایان دادن به امینیتی کردن مبارزات. از خواستها و مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ تیر ۱۴۰۱، ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۲

در این روز آنها مقابل تامین اجتماعی تجمع کرده و سرود زیر بار ستم نمیکیم زندگی را خواندند. در اصفهان بازنشستگان شعار میدادند: استاندار حیا کن، صندلی را رها کن!

اعتراض بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی به سونامی گرانی و به تصمیم به افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بلا تکلیف ماندن عملی میزان افزایش مستمری هایشان علیرغم گذشت چهار ماه از آغاز سال و نیز به بی پاسخ ماندن دیگر مطالباتشان است. بازنشستگان در تجمعاتشان همواره صدای اعتراض خود را علیه تبعیضها و نابرابری

فراخوان بازنشستگان به تجمعات بزرگ سراسری تجمع بازنشستگان اصفهان و کرمان

بر بساط توحش و بردگی حاکم است در زیر فراخوان آمده است.

قبلاً نیز معلمان بازنشسته برای ساعت ده صبح همان روز به تجمع مقابل وزارت کار فراخوان داده بودند. به این ترتیب ۲۵ تیر یکی از روزهای اعتراضات گسترده بازنشستگان خواهد بود. در عین حال تجمعات هر روزه بازنشستگان ادامه دارد و امروز بیستم تیر بازنشستگان در دو شهر اصفهان و کرمان تجمع داشتند. در کرمان

بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضات هر روزه خود، فراخوان به تجمعات بزرگ سراسری جهت پیگیری خواستهایشان را داده اند. این تجمعات قرار است در ساعت ده صبح روز ۲۵ تیر در تهران مقابل سازمان تامین اجتماعی و در شهرستانها مقابل استانداریها برگزار شود. سرود زیر بار ستم نمیکیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، بعنوان سرود همگانی بازنشستگان که اعتراضی

محسن ابراهیمی

چک سفید برای تروریسم اسلامی!

اسلامی است. این چک سفید دادن از یک دمکراسی غربی به یک دولت اسلامی تروریست است. دولت بلژیک و تک تک نمایندگان که به این لایحه رای داده اند، شریک جرم ترورهای جمهوری اسلامی در خارج محسوب خواهند شد. با این لایحه راه برای امثال اسدالله اسدیان دبیر سوم سفارت حکومت اسلامی در اطریش باز میشود تا از داخل سفارتهای جمهوری اسلامی ترور سازمان

کمیسون خارجی پارلمان بلژیک لایحه "استرداد مجرمان" با حکومت اسلامی را تصویب کرد! نام واقعی این لایحه را باید تبادل گروگانها با تروریستهای اسلامی گذاشت. تبادل شهروندان بی گناهی که حکومت اسلامی گروگان گرفته است و تروریستهایی که حکومت اسلامی برای آدمکشی به غرب میفرستد و دستگیر میشوند. این یک معامله کثیف و مشوق علنی تروریسم



نهادهای فعال در عرصه حقوق بشر، هنرپیشه ها ورزشکاران و سلبریتها و فعالین سیاسی و اجتماعی باید به هر شکل ممکن صدایشان را بلند کنند. فقط با اعتراض وسیع و پُرسر و صدا میتوان دولت و مجلس بلژیک را مجبور به عقب نشینی کرد.

مندرج در ژورنال شماره ۱۵۷

وحشت حکومت در برابر جامعه پر خروش

شهلا دانشفر



تجمع و راهپیمایی در کف خیابانها به امری روزانه تبدیل شده است. بازنشستگان یکماهه است که کف خیابانها را به صحنه اعتراضات پر شکوه خود تبدیل کرده اند. راهپیمایی های با شکوه آنها در شهرهایی مثل اهواز، اراک، شوش، شوشتر، کرمانشاه و تجمعات اعتراضی شان در شهرهای مختلف فضای کل جامعه را تحت تاثیر قرار داده است. از جمله در این مدت شهر اهواز به مارش هر روزه بازنشستگان در خیابان ها و فریاد شعارهایشان علیه کل حاکمیت و دولت و وزیرایشان تبدیل شده است. سرود آزادیگی زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادیگی، مرگ بر این بردگی، مرگ بر این بردگی از سوی بازنشستگان به شعار اعتراضات در کف خیابانها در شهرهای مختلف تبدیل شده و می رود که به پرچم انقلاب مردم برای پایان دادن به کل بساط توحش و بردگی حاکم تبدیل شود. در کنار آن ما شاهد این هستیم که کارگران رسمی نفت با اعلام خواستههایشان اولتیماتوم داده اند که اگر مطالباتشان تا پنجم مرداد پاسخ نگیرد به خیابان خواهند آمد و از اتحاد همه بخش های نفت برای پایان دادن به بساط پیمانکاران مفتخور در محیط های کاری و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی سخن میگویند. نفس این گفتمان آنها از سوی یک مرکز کلیدی اقتصادی و کارگری، اتفاق سیاسی بسیار مهمی است. بعلاوه در همین هفته نیز اعتراضات سه هزار کارگر معدن سونگون را داشتیم که در محل معدن چادر زدند و دست از کار کشیدند و وقتی مورد یورش قرار گرفتند بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. همچنین خیر مزه های اعتراض در میان پرستاران علیه اخراجها شنیده میشود. و این لیست بسیار گسترده است.

علاوه بر کارگران اعتراضات در بخش های دیگر جامعه وسیع است. یک نمونه پر سر و صدای آن دوره می جوانان بدون حجاب و شاد و بی توجه به سنتهای اسلامی حکومت، در فضای باز در بلوار چمران در شیراز و پخش ویدئوی آن در

مدیای اجتماعی بود که جنجالی در حکومت به پا کرد. در کنار اینها اعتراضات کشاورزان را داریم علیه بی آبی در این استان و آن استان که صدای اعتراضشان بلند است. و بالاخره خانواده های دادخواه را می بینیم که طی پیامی تصویری کل جامعه را به اعتصابات سراسری فرامیخوانند. و با گفتن اینکه اعتصاب سراسری نشان قدرت اتحاد مردمی است و هیچ ستمگری نمیتواند آتزا سرکوب کند همه بخش های جامعه را به اعتصابات سراسری فرا میخوانند.

این چنین است که جامعه در ادامه آبان ۹۸ و علیرغم سرکوب وحشیانه ای که حکومت کرد و بیش از هزار و پانصد نفر را به قتل رساند، امروز در قامت جنبش های اعتراضی اش و در صفی متحد تر از هر وقت و با خواستههایی روشن که کل بساط فقر و تبعیض و نابرابری و اختلاس ها و دزدی ها را به چالش میکشد، پر خروش به جلو گام بر میدارد. جنبشی به مراتب عمیقتر برای سرنوشتی حکومت اسلامی که انقلابی انسانی را نوید میدهد. در برابر این شرایط است که حکومت بشدت به هراس افتاده است. تا جایی که حسین طیبی فر، جانشین نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران در جمع مزدوران مسلحشان از اینکه باید نیروهایی تربیت پیدا کنند تا بدون ترس و وا همه "دست به ماشه داشته باشند تا از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی ارزشی و اعتقادی آن دفاع کنند"، سخن میگوید. اما خودشان هم میدانند که تفنگشان دیگر باروت ندارد. مردم این را در شعارهایشان و با فریاد توپ، تانک، فشفسه، دیگر اثر ندارد بارها و بارها فریاد زده اند. همین امروز نیز بازنشستگان با شعار های "توپ، تانک، فشفسه مخبر باید گم بشه، دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه" و با قدرت قدمهای پر توانشان در کف خیابان پاسخ کوبنده ای به این نوع رجز خوانی ها میدهند.

یک نمونه دیگر اعتراضات معلمان است. دیدیم که جمهوری اسلامی در قبال مبارزات قدرتمند و حماسی معلمان

از در سر سرکوب و بازداشت و پرونده سازی های مسخره امنیتی وارد شد. اما معلمان ایستادند و فراخوان سراسری ۲۶ خرداد خود را علیه سرکوبگری ها و دستگیرها دادند. رژیم در جریان تجمعات آن روز تعداد بسیار دیگری را دستگیر کرد. اما معلمان کارزاری قدرتمند برای آزادی همکاران زندانی خود را به پیش بردند. به سازمان جهانی کار آی ال او نامه دادند و خواستار اخراج جمهوری اسلامی از هیات مدیره این سازمان بخاطر سرکوبگریهایش شدند و امروز نیز کارزارشان با قدرت ادامه دارد و صدای اعتراضشان جهانی شده است. بعد هم دیدیم وقتی بازنشستگان در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان فراخوان به تجمعات سراسری دادند، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای اعلام کرد که خواستههای بازنشستگان خواستههای همه مردم است و از تجمعات آنها اعلام حمایت و پشتیبانی کرد. زیر فشار همین اعتراضات است که معلمان در این مدت شماری از همکاران بازداشتی خود را آزاد کرده اند. از جمله در همین هفته ۱۲ نفر از معلمان زندانی در شیراز به اسامی مژگان باقری، اصغر امیرزادگان، محمد عالیشوندی، حمید عباسی، ناصر موسوی، ایرج رهنما، بهنام محمدی، رمضان ابونصری، مراد نوشادی حسام الدین مظلومی، مرتضی رشیدی و عبدالرزاق امیری آزاد شدند. و کارزار برای آزادی معلمان در بند با قدرت ادامه دارد.

بدین ترتیب وقتی به کل این صحنه

جامعه نگاه میکنیم ما شاهد جنگ هر روزه مردم با حکومت مافیایی جنایتکار حاکم هستیم و این حکومتی است که آنچه خود را در حلقه محاصره مردمی می بیند که علنا اعلام میکند که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی اش و مبانی ارزشی و اعتقادی اش که هر روز دارد زیر پا مردم له میشود، راهی جز فراخوان "انگشت به ماشه" ندارد. و در اوج استیصال و تشتت در صفوفش چنین رجز خوانی هایی میکند.

نمونه ای دیگر از عجز و استیصالشان در قبال تبدیل مدیای اجتماعی و ماهواره ای به محل سازمانیابی و اعتراضات مردمی است. از جمله غلامرضا نوری قزلقچه، نماینده مجلس اسلامی در همین روزها با گفتن اینکه ۸۰ درصد ایرانی ها روی گوشی هایشان "فیلترشکن" و "وی پی ان" دارند. با استیصال تمام ادامه داده و میگوید: "ما تا کی می خواهیم با تکنولوژی بجنگیم؟ روزگاری با رادیو، تلویزیون و ویدئو و ماهواره جنگیدیم. توانستیم جلوگیری کنیم؟ مگر می شود با پیشرفت تکنولوژی جنگید، ایستاد و مقابله کرد؟"

نمونه دیگر استیصال حکومت در برابر جنبش قدرتمند رهایی زن و خلاصه فرهنگی جوانان است. از جمله در حالیکه زنان در صف مقدم اعتراضات مردمی قرار دارند. وحیدی وزیر کشورشان از اینکه اگر انقلاب بخواهد ضربه ای بخورد از ناحیه زنان خواهد بود هشدار داده بود و همین امروز دارند از "انقلاب زنان" سخن میگویند. و فریادشان نیز از بی خدایی

وحشت حکومت در برابر ...

از صفحه ۶



وحشت حکومت در برابر جامعه پر خروش

بر افزایش ده درصدی حقوق بازنشستگان است. تا جایکه مجلس رسماً آنرا لغو کرد و بازنشستگان شعار دادند نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت و کل حاکمیت را به چالش کشیدند.

خلاصه کلام اینکه فضای پر خروش جامعه است که کل حکومتیان را به هراس و هذیان گویی و در هم ریختگی انداخته است و مردم با صلابت بسوی انقلابی انسانی و رهایی از شر کل بختک جمهوری اسلامی گام بر میدارند.

انتصابات جدید در پست های حساس حکومتی هستیم. یکی از نمونه های آن انتصاب محمد رضا غلامرضایی یکی از امنیتی ترین سرداران حکومت اسلامی به سمت معاونت سیاسی وزارت کشور توسط احمد وحیدی است.

مجموعه این خبرها نشان میدهد که چه بلبشویی در درون حکومت در جریان است و چگونه به تقلا و هراس افتاده اند. و این حکومتی است که در برابر کوچکترین تصمیمی در درون خود عاجز است. یک نمونه هاش دعوی مجلس و دولت بر سر مصوبه هیات وزیران مبنی

این جانیان با اسید پاشی و زندان و شکنجه و انواع سرکوب ها حریف مردم سرنگونی طلب نشدند و امروز در فضای پر خروش جامعه چنین رجزخوانی هایی میکنند.

فشار این شرایط تا بدانجا رسیده است که صفوف حکومتیان بشدت در هم ریخته و جنگشان بیش از هر وقت بالا گرفته است. خودشان دارند به نفوذ "عوامل بیگانه" در صفوفشان و خطر ترور خامنه ای اذعان میکنند. از جمله حسین طائب یکی از فاسد ترین و بیرحم ترین مقامات حکومتی توسط فرمانده کل سپاه پاسداران از ریاست سازمان اطلاعات سپاه برکنار و خانه نشین شده و معاونش محمد کاظمی به جای او منصوب شد و خبری هم از او نیست. و اکنون خبر برکناری ابراهیم جباری یکی از معاونین طائب جنایتکار و انتصاب حسن مشروعی فر جنایتکاری دیگری مثل قبلی به عنوان فرمانده سپاه "حفاظت ولی امر" را می شنویم. حتی شاهد جابجایی ها و

جوانان بلند است و یکی مثل آخوند خان محمدی، سخنگوی ستاد "امر به معروف و نهی از منکر" حکومت اسلامی، از ابلاغ قانون "عفاف و حجاب" برای مردان و زنان از سوی وزیر کشور به همه نهادها خبر میدهد. خان محمدی میگوید: "باید این قانون در مرحله اول از دستگاه های دولتی آغاز شود و در مراحل بعد همه جامعه را در بر بگیرد." سپس ادامه داده و میگوید از این پس برای عدم اجرای قانون، توجیهی پذیرفته نیست و در صورت عدم اجرای قانون، مسئول آن نهاد تذکر می گیرد و توبیخ می شود. او سپس تهدید کرده و میگوید: مجازات هایی تا حد "تعلیق مسئول اداره دولتی" در این قانون پیش بینی شده است. آخرین خبر در این رابطه ایجاد پایگاه های عفاف و حجاب در ایستگاه های متروی تهران است. و اینها همه طرح های سوخته ایست که ۴۳ سال است روی میزشان است و هر بار خودشان شکستشان را اعلام کرده اند.

مخابرات استان تجمع کردند. این تجمع تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه یافت و کارگران با دست گرفتن پلاکاردهایی خواستار لغو دستور کاهش حق جذب و فریز کمک هزینه های رفاهی شدند. روز قبل از آن نیز کارکنان مخابرات استان ایلام در همین رابطه دست به اعتراض زدند.

روز ۱۴ تیر کارگران شاغل در شرکت توسعه سیلوا در گل گهر سیرجان در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و عدم پرداخت حقوقشان دست به تجمع زدند. به گفته کارگران پیمانکار پروژه احداث یک ساختمان اداری در گل گهر سیرجان توسط مسئولان شرکت توسعه سیلوا از تداوم کار منع شده و پرسنل این طرح نیز در حال حاضر تحت شرایط بلا تکلیفی شغلی به سر می برند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیر ۱۴۰۱، ۶ ژوئیه ۲۰۲۲

از انتقال آب آشامیدنی برای مصرف کارگران شده اند. در مقابل کارگران اعلام کرده اند که اگر چنین تعرضاتی ادامه یابد اعتراض خود را به خیابانها خواهند کشید. کارگران این معدن روز گذشته بر تداوم تجمعات خود تا رسیدن به خواسته هایشان و آزادی دو همکار بازداشتی خود تاکید کردند و با برپایی چادر شب را در محل ماندند. بنا بر خبرها نهادهای امنیتی کارگران بازداشت شده را تحت فشار قرار داده اند و آزادی آنها را منوط به اعلام پایان تجمع و اعتصاب کرده اند. اما کارگران بر تحقق خواسته های خود پافشاری می کنند.

از ساعت هشت صبح روز ۱۵ تیر کارکنان رسمی مخابرات استان شهر کرد در استان چهارمحال و بختیاری در اعتراض به کاهش و حذف دستوری حق جذب و فریز کمک هزینه های رفاهی و سطح نازل حقوقهایشان دست از کار کشیدند و در محل ساختمان مرکزی

ادامه اعتصاب بزرگ کارگران معدن سونگون، تجمعات اعتراضی کارگران مخابرات شهر کرد و یک خبر دیگر

خواستهایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به حقوقهایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند و هر بار به آنها وعده ای داده شده و به آن عمل نشده است.

در دومین روز اعتصاب کارگران معدن مس سونگون، امروز نیروی امنیتی و یگان ویژه در محل مستقر است و کارگران به حمله به چادرهایشان تهدید شده اند. بعلاوه با دستور مدیریت آشپزخانه شرکت تعطیل شده است و مانع

روز ۱۵ تیر کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته هایشان اعتصاب خود را برای دومین روز ادامه دادند. بازداشت دو نفر از کارگران معترض این معدن ولی الله محمودی و ارشد کاظم پور به اعتراض کارگران شدت داده است. ولی الله محمودی نماینده کارگران است.

کارگران اعتصابی شرکت های پیمانکاری شاغل در مجتمع مس سونگون بالغ بر ۳۰۰۰ نفر هستند. این کارگران در دومین روز اعتصاب خود ورودی معدن را مسدود کردند تا مانع از خروج کنستاترته از معدن شوند. آنها چند ماه است که با



هستند همواره حامیان این کارگران بوده اند. حزب بر شرکت وسیع خانواده و حمایت گسترده مردم منطقه در دفاع از کارگران اعتصابی معدن سونگون و خواستها و مطالباتشان تاکید دارد. بیش از سه هزار کارگر معدن سونگون با اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی و با حضور فعال خانواده ها میتوانند همکاران بازداشتی خود را آزاد و با قدرت بیشتری پیگیر مطالباتشان شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ تیر ۱۴۰۱، ۷ ژوئیه ۲۰۲۲

حقوقهایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند و به جز وعده چیزی نصیب آنها نشده است.

حزب کمونیست کارگری حمله نیروی انتظامی به کارگران اعتصابی معدن سونگون را شدیداً محکوم کرده و بر آزادی فوری بازداشت شدگان و پاسخگویی به مطالبات کارگران تاکید دارد. بیش از سه هزار کارگر اعتصابی معدن سونگون با خانواده هایشان جمعیت بزرگی هستند. مردم این منطقه نیز که دوستان و نزدیکانشان شاغل در معدن سونگون

سومین روز اعتصاب کارگران معدن سونگون

روز پنجشنبه ۱۶ تیرماه اعتصاب کارگران شرکت های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواستهایشان وارد سومین روز خود شد.

از همان آغاز شروع اعتراضات کارگران معدن سونگون نیروی امنیتی و یگان ویژه در محل مستقر گردید و با دستگیری دو نفر و تهدید کارگران به حمله به چادرهایشان تلاش کردند اعتراض کارگران را عقب بزنند. حتی با دستور مدیریت آشیزخانه شرکت تعطیل شد و مانع از انتقال آب آشامیدنی برای مصرف کارگران شدند. اما علیرغم این فشارها و تعرضات خشم کارگران را شدت بیشتری داده و کارگران مصممتر به اعتصاب خود ادامه میدهند.

معدن مس سونگون در استان آذربایجان شرقی و در محدوده روستای تخریب شده سونگون ورزقان قرار دارد و بزرگ ترین معدن مس خاورمیانه است. در این معدن ۵۰۰۰ کارگر در ۴۳ شرکت مشغول به کار هستند. طی سه روزه اخیر بیش از ۳۰۰۰ کارگر شاغل در پیمانکاری ۵ شرکت آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی در این معدن در اعتصاب شرکت داشتند. این کارگران چند ماه است که با خواستهایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به

روز گذشته کارگران معدن سونگون ورودی معدن را مسدود کردند تا مانع از خروج کنستاتره از معدن شوند. شب گذشته نیز در حالیکه دمای هوا حدود ده درجه بود بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران اعتصابی سونگون شب را در داخل چادر یا ماشین های خودشان یا بر روی آسفالت محوطه سپری کردند و امروز در محوطه

ادامه اعتصاب سه هزار کارگر معدن مس سونگون

روز جمعه ۱۷ تیر اعتصاب سه هزار کارگر پیمانی معدن سونگون ادامه یافت و وارد چهارمین روز خود شد. کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان در چهارمین روز از اعتصاب خود قرار دارند. بنا بر گزارشات در ساعت ۱۲ شب گذشته نیروی یگان ویژه بیشتری وارد مجتمع شدند و با تهدید کوشیدند که چادرهای کارگران ر که سه شب است در آنجا تحصن کرده اند راه جمع کنند و خودروهای کارگران را کنار زدند تا ورودی معدن باز شود. کارگران نیز بخاطر جلوگیری از ایجاد تنش چادرها را جا به جا کردند اما به اعتصاب خود ادامه دادند. طبق خبرهای دیگری ساعت یک بامداد امروز حسین فتحی مدیرکل اداره کار آذربایجان شرقی به همراه مدیر مجتمع و فرمانده انتظامی منطقه به میان کارگران



کردن حمله به کارگران اعتصابی معدن سونگون و دستگیری ها حمایت قاطع خود را از اعتراضات و خواسته های این کارگران اعلام میکند. حزب بر آزادی فوری کارگران زندانی تاکید دارد. اتکاء به مجمع عمومی جهت پیشبرد مبارزه ای قدرتمند و متحد، شرکت خانواده ها در اعتراضات و حمایت مردم در منطقه سه حلقه مهم برای تداوم این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ تیر ۱۴۰۱، ۸ ژوئیه ۲۰۲۲

کارگران بازداشتی اطلاعی در دست نیست. علاوه بر مطالبه آزادی فوری بازداشت شدگان، خواسته های کارگران معدن سونگون عبارتند از: اجرای کامل طرح طبقه بندی که مبلغی به حقوقهایشان اضافه میکند، و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی است. این کارگران به قراردادهای برده وار پیمانی اعتراض دارند و چندین سال است با این مطالبات در اعتراضند و پاسخی نگرفته اند.

حزب کمونیست کارگری با محکوم

اعتصاب کارگران معدن سونگون، آزادی شماری از معلمان و دو خبر دیگر



شده برای معلمان معترض، فعالین کارگری و برای همه زندانیان سیاسی تاکید دارد. حزب همه کارگران را به پیوستن وسیع به کارزارهای مبارزاتی برای آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی فرا میخواند. با قدرت مبارزاتمان میتوانیم در زندانها را باز کنیم.

- بنا بر خبرهای منتشر شده کارگران و کارکنان شهرداری زرنه از توابع شهرستان ایوان واقع در استان ایلام از روز یکشنبه ۱۲ تیرماه دست به اعتراض و اعتصاب زنده اند. این کارگران به تعویق پرداخت هفت ماه دستمزد و ۵۳ ماه بیمه و معوقات چند ساله صندوق بازنشستگی و مربوط به اضافه کاری، ماموریت و تعطیل کاری از سال ۹۴ تا کنون اعتراض دارند. این کارگران سالهاست که پیگیر معوقات مزدی خود هستند و از اردیبهشت امسال تاکنون اعتراضات متعددی انجام داده اند. اما به خواستههایشان پاسخی داده نشده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ تیر ۱۴۰۱، ۵ ژوئیه ۲۰۲۲

داده اند. از اعتراضات پرستاران باید وسیعاً حمایت کرد. اخراج آنها در شرایط کمبود فاحش میزان پرستار در بیمارستانها تعرضی به شرایط درمان و بهداشت کل جامعه است و نباید اجازه داد.

- روز ۱۳ تیر هشت نفر از معلمان بازرگانی در شهر شیراز به اسامی مژگان باقری، ایرج رهنما، بهنام محمدی، رمضان ابونصری، مراد نوشادی، حسام الدین مظلومی، مرتضی رشیدی و عبدالرزق امیری که در جریان گردهمایی سراسری معلمان در ۲۶ خرداد بازرگانی شده بودند، آزاد شدند. آزادی آنها را به این عزیزان، به خانواده هایشان و به معلمان و همگان تبریک میگوییم. بدون شک این آزادی نتیجه کارزار قدرتمندی است که معلمان علیه سرکوبگری های حکومت و برای آزادی همکاران بازرگانی شده خود به پیش برده اند و حمایت های وسیع مردمی است که انعکاس وسیع جهانی نیز داشت. حزب کمونیست کارگری بر آزادی بدون قید و شرط معلمان و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و بسته شدن کامل پرونده های امنیتی تشکیل

کاهش حق جذب و فریز کمک هزینه های رفاهی و کاهش سطح دریافتی هایشان دست به تجمع زدند.

- صبح روز ۱۴ تیر نیروهای طرحی وزارت بهداشت در اعتراض به مشکلات معیشتی و استخدامی خود مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. بنا بر خبرها در بروجوه پاندمی کرونا، وزارت بهداشت ایران برای حل مشکل نیروی پرستار که نسبت به معیارهای جهانی در وضعیت عادی هم بسیار پایین تر از معمول بود، فارغ التحصیلان رشته های پیراپزشکی را به صورت "نیروی طرحی" و "نیروی ۸۹ روزه" استخدام کرد. و بعد از فروکش کردن پاندمی کرونا و آرام شدن وضع بیمارستانها اغلب این افراد، با وجود سابقه کار در شرایط دشوار و پرفشار دوران کرونا و از جان گذشتگی های بسیاری که برای نجات جان انسانها نشان دادند، از کار بی کار شده اند. طبق گزارشات در جریان بررسی طرح موسوم به "ساماندهی کارکنان دولت" در مجلس که برای تغییر وضعیت استخدام نیروهای شاغل در بخش های دولتی انجام می شود، این اخراج ها صورت گرفته است و پرستاران نسبت به این بیکارسازی ها معترضند. پرستاران مشمول این طرح از اعتراضات گسترده تر خود در هفته های آینده خبر

ظهر امروز سه شنبه چهاردهم تیرماه کارگران پیمانکاری شرکت های آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان برای پیگیری خواسته ها و در اعتراض به خلف وعده های داده شده و بازرگانی دو نفر از همکارانشان دست به اعتصاب زده و در محوطه معدن دست به تجمع زده اند.

کارگران معدن سونگون چند ماه است که با خواسته هایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به حقوق هایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند و هر بار به آنها وعده ای داده شده و به آن عمل نشده است.

بنا بر گزارشات صبح امروز ۱۴ تیر در برابر اعتصاب کارگران نیروهای امنیتی در معدن و در شهر ورزقان به حال آماده باش در آمدند و دو نفر از کارگران معترض به اسامی ولی الله محمودی و ارشد کاظم پور را دستگیر کردند. ولی الله محمودی نماینده کارگران شرکت آهن آجین است. کارگران خواهان آزادی فوری همکاران خود هستند.

- صبح روز سه شنبه ۱۴ تیر کارگران مخابرات استان ایلام در اعتراض به

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوشتر

"نه به حقوقهای زیر خط فقر هجده میلیونی" خواستار افزایش فوری حقوق هایشان هستند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن و نیز پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها و سرکوبگریهای حکومت از دیگر مطالبات اعلام شده آنهاست. از خواسته ها و مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ تیر ۱۴۰۱، ۴ ژوئیه ۲۰۲۲

مجلس، هم دولت، دروغ میگویند به ملت، "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، "توپ، تانک، فشفشه، مخبر باید گم بشه"، "نگ ما، ننگ ما، صدا و سیما ما"، "معیشت، و منزلت، حق مسلم ماست". اعتراضات پرشور یکماهه اخیر بازنشستگان اعتراضی به سونامی گرانی و برنامه "جراحی اقتصادی" حکومت است. بازنشستگان خواستار لغو فوری مصوبه هیات وزیران و تصمیم دولت به افزایش صرفاً ده درصد به حقوق هایشان هستند. بازنشستگان خواستار افزایش حقوقها به بالای خط فقر هستند و با بنر

شوش، بندرعباس، کرج، بابل، قزوین، و آبادان تجمع کردند.

سرود "زیر بار ستم، نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی، مرگ بر این بردگی" امروزه به شعار تجمعات و راهپیمایی های بازنشستگان تبدیل شده است و با این شعار آنها کل توحش و بردگی حاکم را به چالش میکشند.

شعارهای دیگر بازنشستگان در اعتراضاتشان عبارت بودند از: "دولت قانون شکن شرت رو از ما بکن"، "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو؟"، "هم

روز ۱۳ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در شوشتر در اعتراض به عدم لغو مصوبه هیات وزیران مبنی بر افزایش ناچیز ده درصدی دستمزدها و متحقق نشدن دیگر خواسته های اعلام شده شان مجدداً به خیابان آمدند و با شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست" اعتراض خود را به سونامی گرانی و بساط چپاولگری حکومت بلند کردند. روز قبل از آن نیز در ادامه یکشنبه های اعتراض بازنشستگان در این شهر و شهرهای اهواز، شوشتر، اراک، کرمانشاه، رشت، دوردو، خرم آباد، ساری، زنجان،



خواستهای ما کارگران رسمی نفت کدامست؟

با توجه به گرانی‌ها و بالا رفتن سرسام آور قیمت اجناس و نرخ تورم افزایش حقوق اولین خواست و مطالبه ماست. حقوق پایه هیچ کارگر رسمی ای نباید از ده میلیون و کل دریافتی از ۲۵ میلیون کمتر باشد..

ما خواهان اجرای کامل ماده ده قانون وظایف و اختیارات وزرات نفت و محاسبه پرداخت پی بک آن از زمان تصویب این قانون هستیم.

ما خواهان ارتقای پایه سمت های سازمانی هستیم و حقوق پایه هیچ کارگر رسمی ای نباید از ده میلیون کمتر باشد.

افزایشات عمومی سالانه ده درصدی به هیچ وجه با رشد تورم تناسب ندارد و خواستار تجدید نظر فوری در این افزایشات و بالا بردن رقم آن هستیم.

ما به استخدامها و انتصابات انتصابی و فامیلی و پارتی بازی ها و تبعیض در پرداخت ها اعتراض داریم.

ما به ورود نیروهای مامور از سایر سازمانها که اساسا بر پایه روابط و در جهت کنترل فضای امنیتی مراکز کاری است اعتراض داریم و باید متوقف شود.

سالها مالیات گزافی بر دریافتی های ما تحمیل شده است و ما خواستار بازگرداندن اضافات مالیاتی اخذ شده هستیم.

ما خواستار ارتقای خدمات رفاهی کارگران نفت از جمله بهبود وضع غذا و غذاکویری ها ، بهبود خوابگاهها و امکانات زیستی و معیشتی بر اساس استانداردی قابل قبول برای همه کارگران شاغل در نفت هستیم.

ما خواستار محیط کار امن و بالا بردن سطح آن متناسب با استانداردی قابل قبول هستیم.

ما خواستار به رسمیت شناخته شدن حق تشکل و پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری مان در نفت هستیم.

همه میدانیم که بخش کوچکی از کارگران نفت رسمی هستند و بخش بزرگ آن به میدان چپاولگری های پیمانکاران و

ایجاد تفرقه در صفوف ما کارگران تحت عناوین مختلف کارگر رسمی، پروژه ای پیمانی، قرارداد موقت، ارکان ثالثی، حجمی و ... است. بنابراین یک حلقه مهم در پایان دادن به تفرقه و شکاف در صفوف ما کارگران برچیده شدن بساط پیمانکاران در نفت و پایان دادن به قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی است. ما بر برخورداری همه کارگران شاغل در نفت از استاندارد کاری قابل قبول واحد و برخورداری از یک زندگی شایسته انسان برای همه همکاران در سراسر نفت تاکید داریم.

بعلاوه بخشی از مطالبات ما کارگران رسمی که به آنها اشاره شد، به همه همکاران در بخش های مختلف مراکز نفتی چه قراردادی و چه رسمی مربوط است. ما بر اتحاد و مبارزاتی همه بخش های کارگران شاغل در نفت تاکید داریم. ما اعلام میکنیم که اگر تا پنجم مرداد جوابی نگیریم اعتراضات سراسری خود را آغاز کنیم. برگرفته از مدیای اجتماعی



تجمع بازنشستگان کشوری در بندر عباس، کرمانشاه و خرم آباد

اعتراضات بازنشستگان تداوم دارد

روز ۱۴ تیر بازنشستگان کشوری در سه شهر بندرعباس، کرمانشاه، و خرم آباد در اعتراض به افزایش ناچیز ده درصدی حقوق و گرانی روز افزون هزینه های زندگی مقابل صندوق های بازنشستگی در این شهرها دست به تجمع زدند. در کرمانشاه بازنشستگان از مرکز صندوق بازنشستگی تا میدان فردوسی و مسیر برعکس آنرا با فریاد "رنیسی دروغگو، حاصل وعده هات کو؟" راهپیمایی کردند. بازنشستگان همچنین با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" مردم را به پیوستن به صف اعتراض خود فرا میخواندند. در این تجمع و راهپیمایی حضور زنان بسیار چشمگیر بود. یکی از بنرهای قابل توجه تجمع بازنشستگان در کرمانشاه بنری با مضمون "تحقیر و زندان و حبس دیگر اثر ندارد" بود.

هم اکنون بخش های مختلف بازنشستگان علیه سونامی گرانی و سطح نازل حقوقهایشان در خشم و اعتراضند و یکماه است که خیابان ها را به صحنه

اعتراض خود تبدیل کرده اند. بازنشستگان خواستار لغو فوری مصوبه هیات وزیران و تصمیم دولت به افزایش صرفا ده درصد به حقوقهایشان و افزایش مستمری هایشان به بالای خط فقر هستند و در شعارهایشان بر افزایش حقوق به بالای خط فقر ۱۵ میلیونی تاکید کرده اند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن و نیز پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها و

سرکوبگریهای حکومت از دیگر مطالبات اعلام شده آنهاست. مبارزات بازنشستگان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ تیر ۱۴۰۱، ۵ ژوئیه ۲۰۲۲



۱۵ تیر: تجمعات سراپا خشم بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر

اعتراضات بازنشستگان تداوم دارد

اعتراضات بازنشستگان هر روزه شده است. امروز پانزدهم تیر در کرمان، اهواز، شوش، شوشتر، دورود، اصفهان و کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی به خیابان آمدند و شعار دادند و با خشم خواهشهایشان را فریاد زدند. روز گذشته در کرمانشاه و خرم آباد نیز اعتراضات در جریان بود. یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان نیز ادامه دارد. بازنشستگان بحق عصبانی و خشمگین هستند. مدتهاست به حقوقها و دریافتی های زیر خط فقر اعتراض میکنند و جوابی نمیگیرند. اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوقها، سونامی گرانی، تعیین افزایش دستمزد تحقیر آمیز ده درصدی و عدم تحقق خواهشهایشان است و ابعاد گسترده آن فضایی از اعتراض در شهرهای مختلف را ایجاد کرده است.

در اهواز جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان در مقابل استانداری تجمع داشتند و سپس مثل روزهای گذشته با سر دادن شعارهای اعتراضی خود در شهر راهپیمایی کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "ما به جز حق نمیخواهیم، صدقه دولت نمیخواهیم"، "دولت شش کلاسه، همین روزا خلاصه"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "نگ ما، نگ ما، مخری الدنگ ما"، "نگ ما، نگ ما، صدا و سیما ما"، "رئیس

بررسی قرار دهد. دبیر کمیسیون اصل نود مجلس اسلامی اعلام کرده است که در صورت "کشف تخلف" در شستا تیم تحقیق و تفحص باید رسماً شکایتی مکتوب در هر مورد خطاب به کمیسیون اصل نود تهیه کند که در آن کلیه موارد مورد بررسی قرار گیرند. مجلس اسلامی و تک تک سران حکومت که خود نیز یک پای دزدیها و اختلاس ها هستند با این لوایح و تلاشها تلاش دارند فضای اعتراض در میان بازنشستگان را کمی هم شده، آرام کنند. اما بازنشستگان با شعارهای اعتراضی شان کل حاکمیت را مسبب این وضعیت فاجعه بار خود میدانند. بازنشستگان با اعتراضاتشان وزیر کار را وادار به استعفا کردند و اکنون با شعارهایشان فریاد برکناری مخری معاون رئیس و بر کناری کل دولت را سر میدهند و خواستار پایان یافتن کل این دزدیها و تحمیل زندگی زیر خط فقر هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ تیر ۱۴۰۱، ۶ ژوئیه ۲۰۲۲

نگ ما، صدا و سیما ما"، "ظم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "وعده وعید چه خوب بود، ولی همش دروغ بود". در شوشتر بازنشستگان شعار میدادند: "توپ، تانک، فشفشه، مخری باید گم بشه"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت شش کلاسه باعث اعتراضه"

اعتراض بازنشستگان اعتراض به برنامه ریاضتی حکومت موسوم به "جراحی اقتصادی" و تحمیل گرانی و بی تامینی است. این اعتراض همه بخشهای مردم را بیان میکند. در حالیکه بازنشستگان هر روزه تجمع میکنند و علیه فقر و بی تامین فریاد میزنند، حکومت با دست به دست کردن سعی میکنند آنها را سر بدوانند. زیر فشار اعتراضات بازنشستگان روز سه شنبه، ۷ تیر تقاضای تحقیق و تفحص از شرکت شستا از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ مورد موافقت نمایندگان مجلس اسلامی قرار گرفت. بر اساس این تصمیم گروه تحقیق و تفحص قرار است که تخلف در سازمان تامین اجتماعی و شستا (شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی) را مورد



اسلامی از هیات مدیره آی ال او بخاطر سرکوبگریهایش شده بود. در خاتمه کنفدراسیون بر لازم الاجرا بودن مقابله نامه های آی ال او توسط ایران تاکید میگذارد. حمایتهای جهانی کارگری نمادی از همسرنوشتی جهانی کارگران و یک پیشروی مهم جنبش کارگری در ایران است. (مندرج در ژورنال شماره ۱۵۹)

آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان تاکید کرده است. بیانیه کنفدراسیون این سرکوبگریها را نقض آشکار استانداردهای بین المللی کار و کنوانسیون های آی ال او، از جمله حق سازماندهی و آزادی تشکل و بیان، دانسته است.

اشاره دیگر بیانیه کنفدراسیون به نامه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به گای رابدر است که نمایندگان اعزامی به اصطلاح کارگری حکومت اسلامی به آی ال او را نماینده کارگران ایران ندانسته و خواستار اخراج جمهوری

بیانیه همبستگی اتحادیه های کارگری اسپانیا

شهلا دانشفر

نمایی چون "همکاری با دسیسه جاسوسی" دو ماه است در زندانند. اسامی آنها عبارتند از: رضا شهابی، حسن سعیدی، جعفر ابراهیمی، آئینا اسداللهی، رسول بدافی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی و مسعود نیکخواه، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در بیانیه خود بر توقف پرونده سازیهای امنیتی، پایان دادن به شکنجه و آزار زندانیان و

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا با بیش از یک میلیون کارگر طی بیانیه ای در ۱۷ تیر سرکوبگریهای جمهوری اسلامی را نقض آشکار استانداردهای بین المللی کار خواند. این بیانیه پاسخی به نامه سرگشاده خانواده های ده نفر از فعالین معلمین و کارگری و اجتماعی است که در جریان دستگیری دو فعال اتحادیه ای فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر بازداشت و با اتهامات امنیتی نخ



بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در اعتراض به تصمیم به افزایش محدود و دره درصدی حقوقها و بلا تکلیف ماندن عملی میزان افزایش حقوقهایشان علی‌رغم گذشت چهار ماه از آغاز سال و عدم پاسخگویی به دیگر مطالبات اعلام شده خود بیش از یکماه است در اعتراضند. اعتراض آنها بطور واقعی به فقر و بی‌تامینی، به سونامی گرانی، به تبعیضها و نابرابری‌ها و به کل بساط سرمایه داری مافیای دزد و چپاولگر حاکم است. هم اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان در اعتراض هستند. خواستهای آنها خواستهای کل جامعه است و باید وسیعاً مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ تیر ۱۴۰۱، ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۲

در خیابان مثل روزهای دیگر فضایی از اعتراض در شهر ایجاد کرده بود. درمان رایگان حق مسلم ماست، یک شعار مهم بازنشستگان اهواز در این روز بود که یک خواست سراسری جامعه است. علاوه بر آن بازنشستگان شعار میدادند: "مخبر، رنسی، قالیباف حق ما را پس بده، دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست". در این روز بازنشستگان باهم سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی، مرگ بر این بردگی را خواندند و فریادشان را علیه کل این بساط بردگی و چپاول بلند کردند. در روز گذشته بازنشستگان در شهر شوشتر نیز تجمع و راهپیمایی داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن امریکاست"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه".

فراخوان معلمان بازنشسته به تجمع مقابل وزارت کار ادامه اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی

در ادامه این فراخوان چنین آمده است: "صندوق‌ها زیر مجموعه وزارت رفاه است لازم می‌دانیم برای حقوق پایمال شده خود روز شنبه ۲۵ تیر جمعی در برابر وزارت کار و رفاه... در خیابان آزادی برگزار کنیم."

این فراخوان با استقبال زیادی از جانب بازنشستگان روبرو شده و با پوسترهایی تحت عنوان "همه می‌آییم" قرار و مدارها برای تجمع گذشته میشود. از سوی دیگر اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی نیز با قدرت تداوم دارد. روز گذشته این بازنشستگان در اهواز و شوشتر در ادامه اعتراضاتشان به خیابان آمدند و با تجمع و راهپیمایی پیگیر خواستهایشان شدند.

یکی از کانون‌های داغ اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز است. در این شهر یکماه است که بازنشستگان هر روزه به خیابان آمده و به صدای اعتراض همه مردم تبدیل شده‌اند. روز گذشته هجدهم تیر ماه نیز بازنشستگان در این شهر تجمع و راهپیمایی کردند. شعار کوبنده آنها و حرکت خروشانشان

گروه پیشکسوتان آب‌پارک شهر تهران در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواستهایشان و پاسکاری بین مجلس و دولت و وعده‌های پوچ و توخالی برای ساعت ده صبح روز ۲۵ تیر به تجمع مقابل وزارت کار فراخوان داده‌اند. خطاب این فراخوان اعتراضی به وزیر کار است و با گفتن اینکه ظاهراً روز ۲۵ تیر روز "رفاه و تامین اجتماعی" است و در آن در اعتراض به سردواندن بازنشستگان و خلف وعده‌های داده شده چنین آمده است: "شما راهکارها و مشکلات را به شورای عالی اقتصاد مجلس شورای اسلامی ارائه داده‌اید. آیا جوابی در یافت شده است؟ دولت در بخشنامه‌های خود می‌نویسد امکانات رفاهی اعم از نقدی و غیر نقدی در سقف اعتبارات مصوب اقدام شود. آیا دولت اعتباری به صندوق داده است اگر بله به چه کسانی این امکانات تعلق گرفته است؟ تا کی ما باید به واژه و الفاظ وعده وعید دولت مردان و مسئولین گوش فرا دهیم. چرا از اجرای ماده و تبصره‌های قانون که به نفع ما بازنشستگان است طفره می‌روید؟"

بیانیه سه نهاد در رابطه با تصویب قرارداد دولت بلژیک با رژیم اسلامی جهت استرداد تروریست‌های رژیم

شهروندان کشورهای دیگر در ایران در ایران کمک می‌کند. این ادعایی نادرست و ساختگی است. شهروندان کشورهای دیگر و دوتابعیتی‌ها زندانی در ایران به عنوان گروگان در زندان نگهداری شدند. این زندانیان از جمله: امدادگر بلژیکی اولیویه وانداکاستیل، استاد دانشگاه سوندی-ایرانی احمدرضا جلالی، اعضای اتحادیه کارگری فرانسوی، سیسیل کوهلر و ژاک پاریس، زندانیان انگلیسی-ایرانی مهران رئوف و مراد طه‌باز، زندانیان آلمانی-ایرانی ناهید تقوی و جمشید شارمهد باید فوراً آزاد شوند. اما آزادی این زندانیان تنها با فشار بر رژیم اسلامی محقق می‌شود. این معاهده حملات تروریستی رژیم، جاسوسی در میان مخالفان رژیم و گروگانگیری توسط رژیم

رژیم اسلامی به دولت بلژیک فشار می‌آورد تا اسدالله اسدی را آزاد کند و دولت بلژیک تسلیم فشارها شده است. اسدی دیپلمات رژیم است که در سال ۲۰۲۱ در دادگاه بلژیک به دلیل طراحی بمب‌گذاری در سال ۲۰۱۸ به ۲۰ سال زندان محکوم شد. او در حال حاضر در زندان بلژیک به سر می‌برد. این معاهده راه را برای آزادی اسدی و دیگر اعضای تیم تروریستی رژیم اسلامی که در خارج از ایران مرتکب آدم‌ربایی و تروریسم شدند و همچنین کسانی مانند حمید نوری که در زندان سوئد بوده و در ایران مرتکب جنایت علیه بشریت شدند، هموار می‌کند.

ادعا می‌شود که معاهده مبادله زندانیان بین بلژیک و رژیم اسلامی به آزادی زندانیان دوتابعیتی و سایر

شده‌اند. آنها صرفاً برای استفاده به عنوان ابزار چانه زنی در مذاکرات رژیم اسلامی با دولت‌های اتحادیه اروپا دستگیر شده‌اند. در حالی که این زندانیان به عنوان گروگان نگهداری می‌شوند، کمیته روابط خارجی دولت بلژیک با بی‌شرمی موافقت اولیه را با معاهده مبادله زندانیان با رژیم اسلامی در تاریخ ۶ ژوئیه ۲۰۲۲ صادر کرد. این معاهده قرار است توسط اعضای پارلمان بلژیک روز پنجشنبه چهاردهم جولای به رای گذاشته شود. این معاهده اقدامی نگران‌کننده و خطرناک بوده و عملاً سایر دولت‌های اروپایی را تشویق میکند که همین کار را کرده و تروریست‌ها و عاملان خطرناکی که توسط رژیم اسلامی و سپاه پاسداران آموزش دیده و فرستاده شده‌اند را آزاد کنند. ما از پارلمان بلژیک می‌خواهیم که معاهده مبادله زندانیان را تایید نکند.

معاهده بلژیک با رژیم اسلامی ایران برای مبادله زندانیان، تباری، مشروعیت بخشیدن و تشویق به گروگانگیری توسط یک رژیم تروریستی است!

ما از همه افراد و سازمان‌های بشردوستان می‌خواهیم که فوراً بر دولت بلژیک فشار بیاورند تا از طرح پیشنهادی خود برای تصویب معاهده موسوم به معاوضه زندانیان با رژیم اسلامی ایران صرف‌نظر کند.

دولت‌ها و پارلمان‌های اتحادیه اروپا، از جمله بلژیک، باید از تصویب سیاست‌ها و موافقت‌نامه‌هایی برای مشروعیت بخشیدن به گروگان‌گیری و تروریسم دولتی توسط رژیم اسلامی دست بکشند.

ده‌ها تبعه خارجی و دوتابعیتی از جمله شهروندان بلژیکی توسط رژیم اسلامی ایران بازداشت، شکنجه و زندانی

بیانیه ۱۷ تیر ماه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، "کمیسیون های کارگران"، در همبستگی با کارگران و معلمان زندانی در ایران و حمایت از نامه سرگشاده خانواده های آنان



حریم خصوصی اعضای خانواده رهبران و فعالین زندانی و امنیت و سلامتی آنها، شده است و تاکید نموده است که تا زمانیکه این خواسته ها و ملاحظات برآورده نشوند به اقدامات لازم در این زمینه ادامه خواهد داد.

پیشتر، طی بیانیه ای به تاریخ ۶ خرداد ۱۴۰۱، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا اعلام کرده بود «آزادی تشکل، بیان، تجمع، اعتراض، اعتصاب و همبستگی طبقاتی و بین المللی برخی از شناخته شده ترین حقوق اتحادیه های کارگری و رهبران آنها است. این آزادی های اساسی مندرج در سازمان جهانی کار و سایر کنوانسیون های بین المللی برای جمهوری اسلامی ایران لازم الاجرا هستند. تداوم نقض این حقوق اساسی توسط دولت ایران تنها باعث تشدید انزجار عمومی نسبت به سرکوبگران می شود و ما مجدداً تاکید می کنیم که ایران باید از مقابله نامه ها و استانداردهای بین المللی سازمان جهانی کار که توسط این کشور تصویب شده است، پیروی کند.»

باز تکثیر از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

برگرفته از مدیای اجتماعی

اتهام "حفظ ارتباط با عناصر خارجی" بازداشت شده بودند را محکوم می کنیم. اکثر بازداشت شدگان فوق در سلول های انفرادی نگهداری می شوند که نقض قوانین داخلی ایران و موازین بین المللی است. آنها از فرصت دفاع علنی و دسترسی به وکلای خود محروم شده اند. این در حالی است که دولت ایران امسال نیز مانند سال های گذشته افراد خاصی را به عنوان نمایندگان تشکل های کارگری ایران به کنفرانس بین المللی کار ۲۰۲۲ فرستاد در حالی که آنها نماینده کارگران ایران نیستند. همانطور که احتمالاً می دانید این نمایندگان به اصطلاح کارگری ایران در سمت های مختلف تحت حمایت دولت قرار دارند و به تصویب قوانین ضد کارگری کمک کرده اند و به دلیل ارتباط نزدیک با قدرت حاکم از انواع امتیازات اقتصادی و سیاسی بهره مند شده اند.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، "کمیسیون های کارگران"، در چندین نوبت و طی نامه های اعتراضی متعدد در روزهای اخیر به رهبری، قوه قضاییه و نیز نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل خواهان لغو بدون فید و شرط اتهامات وارده علیه فعالین کارگری و معلمی زندانی و رعایت حق تشکل، آزادی انجمن، تجمع و آزادی بیان، و نیز تضمین حقوق و

این مدت معلمان و فعالان صنفی بسیاری دستگیر شدند، از جمله افرادی که در حال حاضر در زندان اوین در بازداشت به سر میبرند. بلافاصله پس از این دستگیریها، شبکه های مختلف صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، با همکاری نهادهای اطلاعاتی، اقدام به افترا زنی و طرح اتهام علیه آنان کردند. بستگان بازداشت شدگان خواستار پایان فوری جرم انگاری و اتهامات واهی به عزیزانشان و پایان دادن به بازجویی های بی وقفه، توهین آمیز و تهدیدآمیز از سوی مسئولان شده اند. آنها می گویند تهدید و توهین ماموران زندان و بازجویان در برخورد با زندانیان و خانواده های آنها نمونه بارز آزار و شکنجه است و باید فوراً متوقف شود.

از سوی دیگر، شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان (فرهنگیان) ایران که بیست کانون صنفی معلمان در ایران را نمایندگی میکند، گای رایدر، دبیر کل سازمان جهانی کار (ILO) را مورد خطاب قرار داده است و اظهار نموده است، «شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران به اطلاع شما می رساند که متأسفانه اعضای شورای هماهنگی و اعضای تشکل های معلمان عضو شورای هماهنگی به دلیل فعالیت های مسالمت آمیز خود مورد برخورد سرکوبگرانه مقامات قضایی حکومت ایران از جمله با احکامی مانند تبعید، زندان و اخراج از کار قرار گرفته اند. دولت ایران اگرچه عضو سازمان جهانی کار است، اما به هیچ یک از مقابله نامه های آن احترام نمی گذارد.» (شورای هماهنگی تصریح می کند که با وجود این همه نقض جدی استانداردهای بین المللی کار و مقابله نامه های سازمان جهانی کار، دولت ایران به عنوان عضو هیات مدیره سازمان جهانی کار انتخاب شده است.

همچنین دستگیری دو عضو اتحادیه های کارگری فرانسوی به دلیل دیدار دوستانه در ایران با اعضای شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران که این فعالین نیز به نوبه خود به

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، "کمیسیون های کارگران" طی چندین نامه خطاب به مقامات ایرانی، و با هماهنگی جنبش بین المللی کارگری، به درخواست خانواده های رضا شهابی، حسن سعیدی، جعفر ابراهیمی، آیشا اسداللهی، رسول بدقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی و مسعود نیکخواه، وضعیت این فعالان سندیکایی را محکوم کرده است.

فعالان سندیکایی در زندان اوین و بدون حق ملاقات زندانی هستند. این فعالان سندیکایی در دو ماه گذشته تحت بازجویی های بی وقفه قرار گرفته اند. ادامه بازداشت و بدرفتاری با آنها نقض آشکار کلیه استانداردهای بین المللی کار، حقوق بشر و کنوانسیون های سازمان جهانی کار، از جمله حق سازماندهی و آزادی تشکل و بیان، است.

روز ۱۶ تیرماه ۱۴۰۱، رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (سندیکای واحد) بیست و پنجمین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر گذاشت. مقامات دولتی ایران علیرغم اینکه شهابی در اعتصاب غذا است و حالش وخیم می باشد، بازجویی از او و حبس او را در سلول انفرادی ادامه می دهند. حسن سعیدی، یکی از اعضا و سازمان دهندگان سرشناس همین سندیکای امروز ۱۷ تیر، در هفدهمین روز اعتصاب غذای خود به سر می برد و به دلیل بازجویی های اجباری که به آن معترض است، تحت فشار فزاینده ای قرار دارد. جان رضا شهابی و حسن سعیدی در خطر است.

خانواده های فعالین سندیکایی و کارگری جعفر ابراهیمی، آیشا اسداللهی، رسول بدقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، مسعود نیکخواه در نامه ای مشترک یورش نیروهای امنیتی به منازل این فعالین در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ را محکوم کردند. در